

بالاخره گوشی اش را زیر تخت پیدا کرد و روی
 روح گریه مکتب کرده بافتش را فوراً داد و روی اسم
 زده رنگ دوم به سوم فرستاده ارتباط برقرار شد
 به آن فرهاد؟
 سلام عزیزم



چیزی که چو اسمی
 یعنی چی که چو اسمی کرده
 یعنی که باید دنبال خونه باشیم
 همین؟ تو که منو نصف جون کردی. گفتم حالا چی
 شد

- بلاخره گوشی اش را زیر تخت پیدا کرد و روی **په نوا** -
- «روح گیر» مکث کرد؛ بغضش را قورت داد و روی اسم -
- زد. زنگ دوم به سوم نرسیده، ارتباط برقرار شد. **روایت**
- الو فرهاد؟ **الفرهاد**
- سلام عزیزم. **سلام**
- سلام. **سلام**
- خوبی؟ **خوبی؟**
- خوبم. **خوبم.**
- صدات سر حال نیست... **صدات سر حال نیست...**
- ... اجازه بده من تا آخر هفته میام با خودم... **...**
- چی شده؟ سرما خوردی؟ صدات گرفته؟ بهار گریه -
- می کنی؟ بهار؟ **می کنی؟ بهار؟**
- ... **...**
- جون من بگو چی شده؟ **جون من بگو چی شده؟**
- هیچی، چی می خواستی بشه؟ جوادی جوابمون کرده. **هیچی، چی می خواستی بشه؟ جوادی جوابمون کرده.**
- یعنی چی که جوابمون کرده؟ **یعنی چی که جوابمون کرده؟**
- یعنی که باید دنبال خونه باشیم. **یعنی که باید دنبال خونه باشیم.**
- همین؟ تو که منو نصف جون کردی. گفتم حالا چی **همین؟ تو که منو نصف جون کردی. گفتم حالا چی**
- شده. **شده.**